



یکشنبه ۲۲ جون ۲۰۲۵

انارگل خوشتی

دیوار نمکش

در هر دو زبان ما مردم افغان زمین برای افاده یک موضوع ضرب المثل های بسیار جانانه وجود دارد که در هر موضوع با استفاده از آنها، لب و ألباب موضوع مورد نظر افاده می گردد که بعضاً برای تشریحات بیشتر ضرورت احساس نمی شود.

بطور مثال ضرب المثل دیوار نمکش یا دزد سر خود یر دارد، موارد استعمال آن، آنچنان موضوع را روشن می سازد که زیادتیر جا برای تشریحات نیست که نیست.

هموطنان گرامی! یکی دیگر از خصوصیت های زبان زیبای دری این است که از گپ، گپ می خیزد. گرچه این بنده از سواد کافی در زبان های وطنم چندان برخوردار نیستم و همه آموخته هایم، بالای آموزش خودی اتکا دارد، فلذا از خوانندگان محترم و گردانندگان وبسایت ملی استقلال - خیلواکی خواهشمندم که به بزرگواری خود مرا عفو نمایند.

بر میگردم بالای اشاره ای که قبلاً نمودم که از گپ، گپ می خیزد:

در ازمنه های قدیم می گفته اند که در کابل کهنه، در منطقه که به کوچه علیرضا خان یا بارانه مشهور است، شخص بسیار بدخویی وجود داشته که به میر غضب مشهور بود، میر غضب خان دکان خورده فروشی داشته بوده است، که در آن کشمش نخود، سنجد، توت خشک "نظر به موسم"، بوره، گُر، شمع و همچنین نظر به موسم گندنه، ملی، بادنجان رومی، نوش پیاز و غیره را به فروش می رسانده بوده.

قسمیکه از نامش معلوم است بقال مذکور همیشه بدخوی و با کسانیکه از پیش روی دکانش می گذشتند، با دشنام بدرقه می کرده است. بالاخره اهالی کوچه تصمیم گرفتند تا دیگر از پیاده رو مقابل دکان وی تیر نشده، از پیاده رو مقابل رفت و آمد نمایند، زیرا که همین راه یگانه راه عبور و مرور مردم برای رفتن به مشاغل شان بوده است. از این تصمیم اهالی کوچه چند روزی گذشت و اوقات

میر غضب بسیار تلخ شد، بالاخره برای ارضای خُلق خود چاره سنجید و نگذاشت تا مزاجش از این زیادتیر تلخ شود، شروع نمود به دشنام دادن به عابرینی که از پیاده رو مقابل دکانش می گذشتند و شروع نمود به دادن دشنام های بسیار رکیک برای کسانی که از اینطرف به آن طرف می رفتند و از آن طرف به این طرف. به همین می گویند **دیوار نمکش!**
تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

استقلال- خپلواکی: ما "مردم" مقصد شما را دانسته نشدیم، امید دیگر هموطنان ما، به مانند ما کند ذهن تشریف نداشته باشند و یا لااقل از موضوع مورد نظر شما آگاهی داشته باشند.